



بازنمایی روابط قدرت در رمان «زندگی به سفارش پشه‌ها» اثر کاوه جبران بر اساس گفتمان قدرت میشل فوکو

ذکیره شهاب^۱

چکیده

تحلیل گفتمان از جمله رویکردهای نوین بررسی متن در بافت کاربردی و واقعی آن است. گفتمان‌های بازنمایی شده در رمان، در واقع تصویری از گفتمان‌های موجود در جامعه نویسنده است؛ بنابراین برای بررسی شرایط اجتماعی و فرهنگی کشور تحلیل و بررسی رمان از اهمیت بالایی برخوردار است. پژوهش حاضر رمان «زندگی به سفارش پشه‌ها» اثر کاوه جبران را با رویکرد تحلیل گفتمان قدرت میشل فوکو بررسی نموده است. هدف پژوهش حاضر بررسی روابط قدرت در گفتمان‌های بازنمایی شده و موجود در رمان بوده و همچنین چگونگی اعمال قدرت در این گفتمان‌ها است. روش پژوهش در تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی، با استفاده از ابزار برگرفته از رویکرد تحلیل گفتمان قدرت فوکو، است و در پی پاسخ به این پرسش است که کدام گفتمان‌ها در رمان بازنمایی شده است و این گفتمان‌ها در تشکیل ساختار قدرت چه نقشی دارند؟ در برابند پژوهش، در رمان، گفتمان ارباب-رعیتی، گفتمان دین، گفتمان قدرت جنسیت، گفتمان خرافات و خرافه‌باوری، و گفتمان جهان مدرن مشخص گردید. شیوه اعمال قدرت در این گفتمان‌ها حاکمیت‌بنیاد بوده و دارای شکل بالابه‌پایین و سلسله‌مراتبی است.

کلیدواژه‌ها

میشل فوکو، گفتمان قدرت، روابط قدرت، کاوه جبران، رمان «زندگی به سفارش پشه‌ها».

۱. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کابل، کابل، افغانستان.

۱. مقدمه

فوکو فیلسوف قرن بیستم با پایه‌های فلسفی، مفهوم قدرت و چگونگی شکل‌گیری و عملکرد آن را بررسی کرد. در این رابطه سجودی بیان می‌کند که توجه به چگونگی کارکرد قدرت در نقد پساساختارگرایانه، منشاء در آرای فوکو دارد. فوکو در رابطه با روابط قدرت کتاب‌هایی ارزشمند و قابل تأمل نوشته‌است. از جمله کتاب‌های وی «مراقبت و تنبیه: تولد زندان» (۱۹۷۵)، «تولد پزشکی بالینی» (۱۹۶۳)، «تاریخ سکسوالیته» (۱۹۷۶)، «تاریخ جنون» (۱۹۶۱)، و... است که به چگونگی روابط قدرت در زمان‌های مختلف تاریخی می‌پردازد. وی بر این عقیده است که این علوم در واقع جریان قدرت در جامعه را نشان می‌دهد که چگونه انسان‌ها را محدود ساخته‌است. سجودی در ادامه بیان می‌دارد، قدرت در آرای فوکو در تقسیم‌بندی دوقطبی یعنی گروه «فرداست» و «زیردست» در جامعه جاری نیست؛ بلکه قدرت از طریق مجاری بسیار بر تعداد بی‌شمار مردم توزیع می‌گردد (سجودی، ۱۳۸۲: ۲). با توجه به موارد فوق، قدرت به شکل دورانی و در تمام نهادهای اجتماعی، از کوچک تا بزرگ، در جریان است. شروین وکیلی می‌گوید: فوکو برای این نوع نگاه به قدرت، وارث مستقیم ماکیاولی^۱ و نیچه^۲ است (وکیلی، ۱۳۸۹: ۱۰۰).

برنز^۳ در رابطه با اندیشه فوکو در مورد قدرت بیان می‌دارد که «فوکو بر آن شد که توصیفی از قدرت ناب و نظام گفتمان، بدون ارجاع به چیزی فراتر از فضای تجربی که این نظام در آن وجود دارد و کار می‌کند، به دست دهد» (برنز، ۱۳۸۱: ۱۹). یکی از ویژگی‌های مهم قدرت در این رویکرد این است که قدرت از آن جا که در جریان است و ساختار عمودی ندارد، نتیجه عاملان مشخص نیست؛ بلکه آن را می‌توان از رابطه قدرت، یعنی نقشی که شرکت‌کننده‌ها دارند، درک کرد (حقیقی، ۱۳۷۹: ۲۰۸). از موارد مهم دیگر که می‌توان گفت، این است که روابط قدرت نیت‌مند و فاقد فاعل است و معنای آن‌ها ناشی از همین نیت‌مندی است. هیچ قدرتی نیست که بدون مجموعه اهداف و مقاصد اعمال شود (دریفوس و رابینو، ۱۳۷۹: ۳۱۴). ضمیران در رابطه با اندیشه فوکو بیان می‌دارد که در این نظریه پیش از آن که تأکید بر سوژه باشد به قواعد حاکم بر شکل‌بندی گزاره‌های موجود در دانش و گسست آن‌ها از نظریات پیشین توجه می‌گردد (ضمیران، ۱۳۸۷: ۲۶). فوکو به چگونگی و ماهیت قدرت و دانش در دوره‌های مختلف تاریخ و چگونگی

1. Michel, Foucault
 2. Niccolo, Machiavelli
 3. Friedrich, Nietzsche
 4. Eric, Burns

تحول آن‌ها بدون قضاوت خوب و بد بودن آن‌ها پرداخته‌است و دانش و معرفت هر دوره تاریخی و گسست آن از مرحله دیگر، دستگاه فکری فوکو را تشکیل می‌دهد.

یکی از نکات مهم در رابطه با تحلیل گفتمانی قدرت در اندیشه فوکو، مسأله چگونگی تحلیل روابط قدرت است. فوکو درباره چگونگی تحلیل رابطه قدرت بیان می‌دارد که باید نهادها را از منظر روابط قدرت تحلیل کنیم نه بالعکس (دریغوس و رابینو، ۱۳۷۹: ۳۶۱). فوکو روابط قدرت و چگونگی اعمال آن را در دوره‌های مختلف تاریخ بررسی کرد که قدرت چگونه و به چه شیوه‌هایی اعمال می‌گردد. این یک نظریه ساده انتقادی نیست؛ بلکه برای آشکارسازی و تضعیف آن‌چه که بیشتر نامرئی و مخرب در غالب شیوه‌ها است، کاربرد دارد (گراهام، ۲۰۰۵: ۴). البته باید دقت نمود که در جهان مدرن با وجود پیشرفت‌های فکری و تکنولوژی ممکن است اعمال قدرت به صورت کلاسیک صورت گیرد، همانند بعضی جوامع که شاهد آن هستیم. به عبارت دیگر، فوکو محض روابط قدرت را بررسی کرد و تأکید بر این نداشت که چه شیوه‌ای از اعمال قدرت مخصوص چه دوره‌ای از تاریخ است و شیوه اعمال قدرت در دوران مدرن هم می‌تواند همانند شیوه اعمال قدرت در گذشته باشد. فوکو زمانی قدرت را در جامعه مدرن بررسی می‌کند، بیان می‌دارد که اعمال قدرت به شکل غیرمستقیم است در حالی که شکل سنتی آن مبتنی بر زور و شکنجه و تنبیه بدنی بود. بنابراین برای بررسی قدرت در زیر نقاب توافق و مشروعیت باید با ابزارهای جدید وارد میدان شد (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۸۷). قدرت در گفتمان‌ها به ظهور می‌رسد. در اندیشه فوکو قدرت با مفاهیم دیگر: گفتمان، دانش و حقیقت در ارتباط است که به هر کدام کوتاه اشاره می‌کنیم.

در ارتباط پیوند قدرت و گفتمان، سجودی بیان می‌کند که قدرت از طریق گفتمان‌ها ظهور می‌یابد و سبب شکل‌گیری گفتمان در جامعه می‌گردد. گفتمان در اندیشه فوکو به مجموعه‌ای از گزاره‌هایی که به نظام واحد تعلق دارند، گفته می‌شود. مانند گفتمان جنسیت که مجموعه‌ای از گزاره‌های مربوط به جنسیت را مدون می‌کند. لازم به ذکر است که زبان در گفتمان انتقادی، فعالیتی اجتماعی بوده و ایدئولوژی و روابط قدرت از طریق زبان بیان می‌شود (بیکر و ایلیس، ۲۰۱۱: ۳۲).

در این‌جا دیده می‌شود که گفتمان و قدرت با دانش ارتباط می‌گیرد و دانش به روشی اشاره دارد که فرد می‌تواند دیگران را تعریف و مقوله‌بندی کند. دانش یعنی رهایی خویش از جهل

(سجودی، ۱۳۸۲: ۴). فیلیپس^۱ و یورگنسن^۲ می‌گویند مراد فوکو از دانش قواعد تاریخی یک گفتار است که حد و مرز آن چه را می‌توان گفت، تعیین می‌کند (فیلیپس و یورگنسن، ۱۳۸۹: ۳۶). به عبارت دیگر، دانش یعنی معرفت و چگونگی فضای فکری حاکم بر یک دوره. بشر در هر دوره‌ای از تاریخ بر اساس جو فکری و دانایی عصر خود زندگی می‌کند و ذهنیتش را شکل می‌دهد. مفهوم مرتبط دیگر با قدرت و دانش و گفتار، حقیقت است. بر اساس نظریه فوکو حقیقت محصول گفتار و رابطه قدرت و دانش در یک جامعه است و یک امر برساخته است و حقیقت محض وجود ندارد (حقیقی، ۱۳۷۹: ۱۸۴). آقاگل زده در بیان مفهوم حقیقت در اندیشه فوکو بیان می‌دارد که:

هر جامعه‌ای دارای رژیم و مفاهیم حقیقت خاص خود است و آن حقیقت سیاست کلی است و حقیقت سیاست کلی عبارت از انواع گفتارهایی که آن جامعه در سردارد و از دیدها پنهان است و سبب می‌شود که دیگران آن را به عنوان حقیقت بپذیرند و به آن عمل کنند (آقاگل زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۴).

مفهوم دیگر در نظریات فوکو «سلطه» است. سلطه و قدرت در این رویکرد لازم و ملزوم یکدیگر نیستند و سلطه زمانی سر بر می‌آورد که در یک رابطه اجتماعی نقش افراد ثابت باشد و تغییر نکند در این جاست که می‌توان از سلطه سخن گفت و اگر نقش‌های اجتماعی دارای انعطاف‌پذیری باشند از سلطه نمی‌توان سخن گفت (حقیقی، ۱۳۷۹: ۲۲۹). شروین وکیلی در رابطه با نوع نگاه فوکو به قدرت می‌نویسد که قدرت امری مقطعی، شکننده و وابسته به موقعیت بوده که دارای ساختار سلسله‌مراتبی نیست.

قدرت در گفتار مفهوم مرکزی است که به طور بالقوه برای فهم پدیده‌های مختلف فرهنگی از جمله ادبیات به کار می‌رود (میلر، ۱۹۹۰: ۱۲۰). فوکو سه مفهوم را در رابطه با قدرت از هم متمایز می‌کند:

۱. روابط قدرت: شامل بازی‌های راهبردی میان کنشگران بوده که برد و باخت کنشگران وابسته به آزادی آن‌ها و پهنه گزینته‌هایی که در اختیار دارند، می‌باشد.
۲. حالات سلطه: مفهوم سلطه زمانی مطرح می‌گردد که نابرابری قدرت به میان بیاید چنان‌که قبلاً ذکر شد. البته باید ذکر نمود این شرایط پایدار نبوده بلکه نسبی است.
۳. فنون حکومت: پیکربندی منسجم و تثبیت‌شده را در زمان پدید می‌آورد. در فنون حکومت سه شکل از قدرت وجود دارد:

1. Luiz, Phillips
2. Marianne, Jorgensen

الف. قدرت انضباطی^۱ در قرن هفدهم در اروپا در قالب اجتماعی سازماندهی شد و افراد را به مثابه منابع قدرت در نظر می‌گیرد. قدرت تکنیکی است که از طریق ویژگی انضباطی خود تأثیرات استراتژیکی‌اش را تحقق می‌بخشد. هافمن^۲ در این رابطه بیان می‌دارد که این نوع قدرت از طریق کنترل و نظارت فعالیت‌ها، توزیع افراد و سازماندهی و ساخت نیرو کار می‌کند. در ادامه می‌افزاید که قدرت انضباطی با مفهوم نُرْم یا قاعده دآوری می‌کند اعمال مردم را در چهارچوب آن اندازه‌گیری می‌نماید که چه رفتارهایی را انجام دهند و چه‌ها خلاف قاعده و هنجار است (هافمن، ۲۰۱۱: ۲۹).

ب. قدرت مشرف به حیات^۳ که در آن جمعیت به مثابه منبع قدرت است و گرانیگاه معنایی‌اش امنیت و سلامت است. قدرت مشرف بر حیات در حیطه نظام زیست سیاست جای می‌گیرد. حکومت‌ها برای این که ملت‌ها را تحت کنترل خود بگیرند، سیاست‌هایی را دنبال می‌کنند و به همین خاطر در همهٔ امور شهروندان دخالت می‌کنند؛ برای مثال کنترل افزایش و کاهش جمعیت‌ها (پرشور و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۲).

ج. قدرت حاکمیت‌بنیاد^۴ که در قالب دولت و نهادهای سیاسی تبلور می‌یابد. در این نوع رابطه، مسئولیت کارهای مردم و ملت به دوش دولت است و دولت در مقابل به عهده گرفتن این مسئولیت تابعیت بی چون و چرایی مردم را می‌خواهد. فوکو در این رابطه به قدرت سیاسی در جوامع یهود در قرن هفدهم اشاره می‌کند (وکیلی، ۱۳۸۹: ۱۰۳-۱۰۴).

۱-۱. بیان مسأله

تحلیل گفتمان معنا و چگونگی ساخت و تاثیرگذاری آن را در بطن جامعه و روابط اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌دهد و از جمله رویکردهای اجتماعی در بررسی معنا است که معناسازی را در متن بررسی می‌کند. متون ادبی در بازنمایی گفتمان‌های موجود در جامعه و شرایط فرهنگی زمان نگارش خود از جایگاه ویژه برخوردارند و از جمله ابزارهای مهم برای بررسی شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه به شمار می‌روند. فوکو در اهمیت ادبیات می‌گوید که در عصر مدرن معرفی و بنیاد گذاشته شد و ظهور مجدد هستی زندهٔ زبان را آشکار کرد (فوکو، ۱۳۸۹: ۹۹). تحلیل گفتمان رویکردی میان‌رشته‌ای است که از دل مطالعات زبان‌شناسی، فلسفه، جامعه‌شناسی، و

1. disciplinary power
2. Marcelo, Hoffman
3. biopower
4. sovereign power

مطالعات فرهنگی سر بر آورده است. یکی از وجوه غالب رویکردهای تحلیل گفتمان این است که عرصه بازنمایی مناسبات قدرت در زبان را تحلیل می کند و زبان ابزار مهم برای بازنمایی به شمار می رود. در اوایل کاربرد تحلیل گفتمان، متن را در بافت های کوچک مورد مطالعه قرار می دادند. میشل فوکو رویکرد تحلیل گفتمان را وارد بافت های بزرگ تر اجتماعی کرد. اساس و بنیاد آرای فوکو در دو دور از نظریات وی به روی دو محور قدرت و دانش متمرکز بود. یکی از محورهای اصلی آرای فوکو مفهوم قدرت است که پژوهش حاضر این مفهوم را در مان «زندگی به سفارش پشه ها» بررسی می کند. در مورد چگونگی انتخاب مان باید گفت که این مان به لحاظ موضوعی با مسأله مورد بحث، «قدرت»، مطابقت دارد.

هدف از انجام این پژوهش مشخص کردن گفتمان های موجود در مان است. از سوی دیگر روابط قدرت در این گفتمان ها بررسی و شرح می گردد که شیوه اعمال قدرت در آن ها چگونه است.

با توجه به طرح بحث فوق پژوهش حاضر در پی پاسخ به پرسش های ذیل است:

۱. در مان مورد مطالعه، کدام گفتمان ها بازنمایی شده است و این گفتمان ها در تشکیل ساختار قدرت چه نقشی دارند؟
۲. در مان مورد مطالعه، سوژه غالب از چه روش هایی برای اعمال قدرت استفاده کرده و سوژه مغلوب چه عکس العملی از خود نشان داده است؟

۱-۲. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی با استفاده از ابزار برگرفته از نظریه تحلیل گفتمان فوکو است. نخست گفتمان های موجود در مان شناسایی شده و در ادامه به چگونگی اعمال قدرت در آن ها پرداخته شده است. درباره چرایی شناسایی گفتمان ها در آغاز کار باید گفت که قدرت و روابط قدرت در گفتمان ها بروز و ظهور می کند و گفتمان ها در واقع عرصه بازنمایی روابط قدرت است. یکی از راه های اصلی بررسی روابط قدرت، شناسایی گفتمان ها و بعد بررسی چگونگی اعمال قدرت در آن ها است. ابزار کار در بررسی پیکره پژوهش متناسب با هدف پژوهش و بافت تعیین می گردد.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

بررسی متون ادبی در چهارچوب رویکردهای گفتمانی و فرهنگی یکی از نیازهای مهم ادبیات کشور است که باید مورد توجه پژوهشگران واقع شود و مطالعات فرهنگی گسترش یابد. متون ادبی، به‌ویژه رمان، ظرفیت بیشتری برای انواع مطالعات گفتمانی، اجتماعی و فرهنگی دارد؛ تلاش در این راستا سبب غنای بیشتر ادبیات و فرهنگ کشور می‌شود و در کنار آن تصویری از جامعه را به نمایش می‌گذارد. بنابراین برای بررسی شرایط اجتماعی و فرهنگی کشور تحلیل و بررسی رمان از اهمیت بالایی برخوردار است. در پژوهش حاضر بنا بر ضرورت و اهمیت فوق رمان زندگی به سفارش پشه‌ها انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفت. رمان به‌طور ضمنی، به چگونگی حکمرانی گروه بنیادگرا و افراطی در افغانستان و این که با چه استراتژی اعمال قدرت نموده و از سوی دیگر به مسأله دین، جایگاه و منزلت زنان در ساختار قدرت این گروه و بنیادگرایی افراطی آن‌ها، پرداخته‌است. پژوهش حاضر می‌تواند الگویی برای تحقیقات آینده در زمینه مطالعات گفتمانی باشد.

۲. پیشینه پژوهش

در افغانستان رویکردهای تحلیل گفتمان در بررسی متون، جدید بوده و تا به حال در این رابطه پژوهشی صورت نگرفته‌است. تحقیق حاضر با استفاده از ابزار پژوهشی تحلیل گفتمان فوکو جدید است، بنابراین در پژوهش حاضر به مرتبط‌ترین تحقیقات انجام شده در زبان فارسی در حوزه ایران اشاره می‌کنیم:

۱. محمودی و زهرازاده (۱۳۹۶)، در مقاله «نقد فرهنگی رمان مدیر مدرسه جلال آل احمد از منظر گفتمان و نظریه قدرت فوکو» به بررسی این رمان آل احمد با رویکرد تحلیل گفتمان قدرت فوکو پرداخته‌اند. در این مقاله آن‌ها نشان می‌دهند که قدرت، فرهنگ و گفتمان چگونه بر هم تأثیر کرده و چگونه در رمان تصویر شده‌است. نگارندگان ادعا می‌کنند که رمان با رویکرد تحلیل گفتمان فوکو و از سویی شرایط عینی جامعه در انطباق است.

۲. حاجی‌زاده و ولی‌زاده (۱۳۹۹)، در مقاله «تحلیل رمان «ساقالبامبو» اثر سعود السنعوسی، بر اساس گفتمان قدرت فوکو» به انواع گفتمان‌های موجود در رمان با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از ابزار رویکرد تحلیل گفتمان قدرت فوکو پرداخته‌اند و انواع قدرت را که فوکو برمی‌شمارد، در گفتمان‌های موجود در رمان تحلیل نموده‌اند. آنان بیان می‌کنند در رمان هم

ساختارهای سنتی قدرت که فاعل مشخص دارند و هم ساختارهای نوین قدرت که فاعل مشخص ندارند، بازتاب یافته است.

۳. خائنی (۱۳۹۱)، در مقاله «بررسی سه قطره خون هدایت بر مبنای نظریه قدرت فوکو»، به بررسی قدرت پرداخته است. در این پژوهش به طور واضح بیان نگردیده که در داستان کدام گفتمان‌ها وجود داشته و اعمال قدرت به چه شیوه است.

۴. حجازی (۱۳۹۴)، در مقاله «تحلیلی بر دو رمان از محمدرضا بایرامی با نظری به اندیشه فوکو»، به چگونگی تاثیرپذیری نویسنده رمان از آرای فوکو و توانایی وی در تکثیر گفتمان‌ها از منظر زبانی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی پرداخته است. نگارنده بر این مدعا است که دو رمان فوق از آرای فوکو بهره گرفته و رمان‌ها با توجه به تصویر شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه بستری مناسب برای تحلیل گفتمان انتقادی است.

۵. سولماز پرشور (۱۳۹۹)، در مقاله «تحلیل رمان «وطن من زجاج» اثر یاسمین صالح بر اساس گفتمان قدرت فوکو» به تطبیق آرای فوکو در رمان پرداخته است. نگارنده پس از بررسی آرای فوکو انواع گفتمان‌ها را در رمان مشخص کرده است و بیان می‌کند که این گفتمان‌ها در ساختار قدرت در جامعه و فرهنگ نقش دارند.

۳. بحث و بررسی

در پژوهش حاضر روش و ابزار تحقیق برگرفته از نظریه و آرای فوکو است. باید گفت که ابزار تحقیق از ورای اندیشه فوکو در رابطه با گفتمان و قدرت استخراج شده است. یکی از ویژگی‌های رویکردهای تحلیل گفتمان این است که روش و ابزار توأمان با هم در نظریه وجود دارد و هر محقق با اتخاذ یکی از آن‌ها در پژوهش خود می‌تواند ابزار کارش را نظر به هدف پژوهش خویش از نظریه استخراج نماید. در پژوهش حاضر نظر به تقسیم‌بندی فوکو از انواع قدرت به تحلیل نمونه‌هایی از رمان می‌پردازیم. نخست انواع گفتمان را که نویسنده در رمان بازنمایی کرده است، مشخص می‌شود و سپس بیان می‌گردد که در این گفتمان‌ها از انواع قدرت که فوکو برشمرده، کدام نوع به طور قابل چشم‌گیر بازنمایی شده است.

۳-۱. گفتمان ارباب- رعیتی و گفتمان دین

در این جا دو گفتمان را توأمان با هم آوردیم و آن هم به این دلیل که این دو گفتمان طوری در هم تنیده است که دستگاه‌های قدرت همواره برای اعمال قدرت از اندیشه دینی مردم استفاده می‌کنند و دین را بستری برای اعمال قدرت خود قرار می‌دهند. به عبارت دیگر اندیشه دینی برای حفظ و دوام قدرت از دین جدا شده و تبدیل به اندیشه سیاسی گردیده است. چنان که در رمان، نویسنده این تنیدگی را به شکل هنرمندانه نشان داده است: «خلیفه میل خویش را در روزنامه می‌جوید و این تنها در سطور روزنامه ملازم درج است. چشم‌پوشی این سامان بر میل خلیفه، کار او را خراب کرده است» (جبران، ۱۳۹۵: ۱۹). در این تکه از رمان نویسنده حاکم و ارباب شهر را تصویر می‌کند که تمام خواست‌های خود را در دین می‌جوید (روزنامه اصطلاحی برای کتاب مقدس) و در واقع دین ابزار دست وی است که به میل خود آن را جرح و تعدیل می‌کند و هر گاه حکم آن بر خلاف میل‌اش باشد آن را به خواست خود می‌گرداند. در قسمت دیگر رمان، نویسنده گفتمان حاکم و رعیت را این طور نمایش داده است:

نویسه‌های هر سه روزنامه معکوس بودند که به جز ملازم، ابن سامان و شیخ درس‌خانه کاکلی، کس دیگری را توان خواندن آن نبود. تمامی آن‌چه را شاگردان این سه نفر یاد گرفته بودند، شفاهی بود و از روی لفظ صوتی و مقایسه آن با شمایل نویسه‌ها. طوطی‌وار و بی‌هیچ معنایی همه آن را حفظ کرده بودند... (همان: ۱۴).

در این جا نوع اعمال قدرت را از سوی دستگاه سیاست که نظام دین را دست‌مایه قرار داده است، ملاحظه می‌کنیم که چگونه مردم بی‌چون و چرا تابع و در انقیاد دستگاه حاکم‌اند. این جا نوع قدرت حاکمیت‌بنیاد است، گروه اعمال‌کننده قدرت، دین و سیاست و گروه تابع، مردم است و هر گونه مقاومت در برابر گروه حاکم منجر به مجازات و شکنجه سخت بدنی می‌گردد. بنا بر آن‌چه در مقدمه در رابطه با روابط قدرت و انواع آن آمد، این نوع قدرت‌ها تابعیت مردم را بدون چون و چرا می‌خواهند و هر گونه مقاومت از جانب مردم را با شکنجه‌های بدنی سخت سرکوب می‌نمایند. در این جا نمونه‌ای دیگر از رمان ذکر می‌کنیم تا قدرت سلسله‌مراتبی و ارباب رعیتی را ببینیم:

بار دیگر روزی رسیده که ما بایست بهانه استمرار نظم و عدالت الهی را میسر کنیم. عدالتی که تنها به یمن وجود و حضور مبارک خلیفه که عمرش دراز باد برقرار شده و اوست که حافظ این عدالت و نظم الهی در ارض دارالخلافه کابل هست و خواهد بود... جارچی ریزقامت نامه‌ای از زیر جبه‌اش بیرون کشید و بر قرار آن، مجرم نخستین را کشاورزی خواند که محصول تریاک امسالش کم شده بود و دومی گل‌کاری بود که دیوار باغ خلیفه را بنا نهاده، اما دیوار در زلزله ماه پیش فروریخته بود. مجازات اولی هفتاد ضربه قمچین و از دومی قطع دست خوانده شد... (همان: ۲۹-۳۰).

شرایط بد اقتصادی یکی از علت‌هایی است که قدرت برتر در جامعه از افراد که در شرایط بد اقتصادی به سر می‌برند، به صورت دلخواه بهره‌کشی می‌کند. در تقسیم‌بندی فوکو این نوع قدرت در نوع قدرت حاکمیت‌بیناد قرار می‌گیرد. در این صحنه که نویسنده نمایش داده‌است گروه تابع و فرودست جامعه به خاطر گناهی نه‌چندان بزرگ و غیرعمدی شکنجه می‌شوند.

در جایی که قدرت ثابت باشد و انعطاف نداشته‌باشد آن جا مفهوم سلطه پدیدار می‌گردد و زمانی سلطه وجود داشته‌باشد، مقاومت در برابر قدرت شکل می‌گیرد. نویسنده در رمان، چگونگی شکل‌گیری مقاومت در برابر قدرت ثابت و انعطاف‌ناپذیر را نمایش داده‌است: «بلواچیان درس‌خانه ملازم را آتش زده‌اند. و زمین و زمان را سپاهیان شهنه درنوردیده اما اثری از عاملان آتش‌افروزی نیافتند... شایع بود حدود هفت نفر از ناقص‌العضوهایی که از فتوهای ملازم کینه‌به‌دل بودند نیز به صف بلواچیان پیوسته‌اند...» (همان: ۱۲۳).

در این قسمت از رمان نویسنده چگونگی مقاومت در برابر سلطه را نمایش داده‌است. این مقاومت‌ها در جای‌جای رمان از سوی شخصیت‌های مختلف همچون ترابی که در پی جستجوگری و پیدا کردن حقیقت است، ابن سامان یکی از آموزگاران درس‌خانه که رابطه‌اش با خلیفه به تیرگی گراییده‌است، شروع می‌شود و آهسته‌آهسته به تمام شهر نفوذ می‌کند. و سرانجام نظام سلطه در پایان روایت به سرنگونی می‌انجامد. در جای دیگر روایت، ما عملکرد گفتمان ارباب رعیتی را می‌بینیم که چگونه مردم را سرکوب می‌کنند. «همین که نزدیک شدیم همه چیز معلوم شد: سرهای بریده‌ی ابن سامان و شاگردانش. سر ابن سامان در وسط قرار داشت. در دو کنارش، کله ژکاره و شاگرد ارشدش. همه کله‌ها تقریباً سیاه بودند...» (همان: ۲۰۹).

نویسنده در ادامه روایت ظهور جهاندار بزرگ (رهبر و پیشوای دین تلویحاً اشاره به حضرت محمد) را ترسیم می‌کند که حاکمان کشور چگونه وجود جهاندار بزرگ را که بر آن‌ها ظاهر می‌شود و راه درست را می‌نمایاند، انکار می‌نمایند و حتی دین را به خواست خود در جایی که به نفع آن‌ها نیست تعدیل می‌کنند و دین تنها سلاحی است برای سرکوب و انقیاد مردم:

اکنون آمده‌ام تا بگویم راهی که شما رفته‌اید، راه من نیست، راه راست نیست. در این مسیر، گامی از انسانیت دیده‌ نمی‌شود. راه راست را همان‌هایی رفته‌اند که اکنون به نام کافران در برابرشان حصار کشیده‌اید بهشت همان جاست و شما زندگانی را بر خود جهنم کرده‌اید... زندگانی شما به دست همین خلیفه‌ها، همین درس‌خانه‌صاحبان، همین‌هایی که چونان دم از عقبشان آویزان هستید دزیده شده‌است... (همان: ۱۹۱).

نویسنده ظهور جهاندار بزرگ، رهبر و پیشوای دین را تصویر کرده است که برای مردم می گوید با بصیرت خود نگاه کنید راهی که به نام دین می روید اشتباه است. این حاکمان برای حفظ قدرت خود حتی از وجود جهاندار بزرگ اغماض کرده اند و وی را شیطان پرنده نامیده اند که از حصار کفار آمده است. «این بار اما در یک توطئه بزرگ و نابخشودنی، یک انسان فانی و غدار را شبیه سازی کرده، به جای جهاندار بزرگ به سوی ما فرستاده اند. اگر ما به این دسیسه پی نمی بردیم اکنون قلمرو کفر و ایمان یکی می شد...» (همان: ۲۱۵).

بنا بر بررسی اعمال قدرت در طول دوره های تاریخی به وضوح هویداست که نظام سلطه و اعمال قدرت سلسله مراتبی پایدار نخواهد ماند و این را فوکو در مثال هایی از نظام های سلطه و چگونگی مقاومت مردم و در نهایت سرنگونی این نظام ها آورده است. در رمان نویسنده هم چنین سرنگونی نظام سلطه را به تصویر کشیده است که چگونه از بین می رود:

پشه ها وزوزکنان اول حمله بردند به بارگاه خلیفه. بعد از آن دسته جمعی پخش شدند سمت کارخانه های تریاک، همین طور درس خانه گنبدی، درس خانه ابن سامان و کاغلی، انباری های مبارک، بازارچه و حجره های اهالی، و همین گونه مزارع کوکنار و سنگلاخی و حومه خالی از سکنه و از آن جا رفتند به سمت حصار... (همان: ۲۵۶).

۲-۳. گفتمان قدرت جنسیت

جنسیت در اندیشه فوکو به مسایل و روابط جنسی اشاره ندارد. وی زندگی جنسی و جنسیت را در مقابل هم قرار می دهد. زندگی جنسی امری مربوط به خانواده است و به وصلت و ازدواج و قرابت اشاره دارد. اما جنسیت موضوعی فردی است و با لذات خصوصی پنهان، زیاده روی های خطر آفرین بر بدن و تخیلات مخفی و محرمانه سروکار دارد. به عبارت دیگر هسته اصلی و هویت شخصی فرد جنسیت است (دریفوس و رابینو، ۱۳۷۹: ۲۹۲). در نظام های قدرت که بر سلطه بنا شده است مسئله جنسیت را وسیله ای برای کنترل کردن مردم قرار داده اند و آن را با احکام دینی درآمیخته اند که بتوانند بر اذهان مردم تسلط داشته باشند. در رمان زندگی به سفارش پشه ها نویسنده این امر را به صورت آشکار به تصویر کشیده است: «ای اهل جهان آرام گیرید با جهیدن گاه هایتان بر تهی گاه هایی که مایه آسایش است. تا بدین گونه عمرتان فزونی و رنج هایتان پایان یابد» (جبران، ۱۳۹۵: ۲۰). در قسمت دیگر همچنان آورده است: «تنها مسئله ای که خلیفه، درس خانه ها را در اعمال آن آزاد گذاشته بود، معضل تخلیه آب کمر بود. در این راستا صاحبان

درس خانه حق داشتند تا بر اساس اجتهادهای مخصوصشان راه حل آن را استخراج کنند...» (همان: ۳۶).

در این جا ما انضباط بیرونی را بر نوعی از اعمال و روابط شخص می بینیم که از نوع قدرت مشرف بر حیات است؛ زیرا دولت در خصوصی ترین اعمال مردم دخالت دارد و در پی کنترل مردم و اعمال قدرت خود است. فوکو درباره سرکوب و مسأله جنسیت بیان می دارد که رهایی جنسی و مقاومت در برابر سرکوب، نبردی ارزشمند است اگر چه پیروزی در آن مشکل باشد. از قرن نوزدهم به بعد سخن گفتن به شیوه صریح درباره جنسیت عملی ذاتاً سیاسی تلقی شده است. وقتی از جنسیت سخن گفته می شود، یعنی فرد به خود اجازه می دهد تا بر ضد قدرت های موجود سخن بگوید و این یعنی نفی و انکار قدرت مستقر (دریفوس و رابینو، ۱۳۷۹: ۲۳۷).

نویسنده در رمان دو تصویر از جهان با دو نوع دانش نظام فکری را نمایش می دهد که در یک نظام سلطه برقرار است و قدرت سلسله مراتبی اعمال می گردد. در این جهان مسأله جنسیت و نیازهای جنسی گناه محسوب می شود. اما در نظام فکری دیگر حضور پررنگ زنان را شاهد هستیم و این که نوع کنترل بیرونی بر جنسیت به نوع کنترل درونی تغییر می نماید. این مسأله را نویسنده، زمانی که راوی روایت به صورت صریح درباره زنان احساس درونی خود را بیان می کند، به تصویر کشیده است:

پرستار با لبخند همیشگی وارد حمام می شود. تن پوش را روی دست و پیراهن راهدار را روی شانه انداخته. پشت سرش صفاکار غرغری نیز ایستاده است. چشم هایم را می بندم و در همان حال حس می کنم دست های پرستار به کمک دست های فربه زن کوتاه قد برای خشک کردن تن من آمده اند (جبران، ۱۳۹۵: ۱۱۰).

راوی روایت که یک مرد است و بعد از سی سال به بیداری رسیده است با جهانی با نظام فکری جدید روبه رو می شود. در گذشته سخن گفتن درباره امیال گناه پنداشته می شد؛ اما حالا با آزادی می تواند درباره خواسته های خود سخن بگوید؛ طوری که از دو خانم: پرستار و صفاکار سخن می گوید. نویسنده این دو نوع نگرش را برای این به صورت یک جا در رمان آورده است که بنا بر قول فوکو نشان دهد سخن گفتن درباره خواسته های فردی و خصوصی نوعی مقاومت در برابر اندیشه حاکم است (دریفوس و رابینو، ۱۳۷۹: ۳۰۲). او در جای دیگر می آورد:

زن های زیادی اند. زیبا، زشت، متوسط، سیاه، سفید، زرد، سرخ، قد بلند، قد کوتاه. به تعداد صفات تمامی زبان های زنده جهان، زن در دنیا وجود دارد. اما ای کاش به همین سادگی که همه زن های جهان را می شود توصیف کرد، می شد آن ها را بوسید، می شد با آن ها معاشره کرد... (جبران، ۱۳۹۵: ۱۶۵).

طوری که قبلاً بیان گردید، نویسنده دو نوع سیستم دانش و نظام فکری را در رمان به تصویر کشیده است. در نوع نظام فکری کلاسیک و مبتنی بر شکنجه و سرکوب شدید، عدم حضور زنان را شاهد هستیم. در این نظام زنان حذف شده اند و جایی ندارند:

اکنون ما چگونه بدانیم که تهی گاه مربوط زنان است. از زمان ابی خلیفه دیگر زنی نیست که تهی گاهش ثابت گردد. هیچ یک از ما زن را ندیده ایم. بگو تو دیده ای تا اکنون زنی دیده ای؟... این زن ها چگونه آدم هایی بودند؟ باشی خردمندانه جواب داد: آدم نبودند موجوداتی بودند مادینه. منبع فساد و شهوت و گناهکاری. فقط هنگامی که شهوانی بودی خوشایند بودند، اضافه مایه رنج و آزار (همان: ۱۰۱).

در این قسمت از رمان می بینیم که زن موجودی ناشناخته است و مردم درباره صورت و جسم زن ها نمی دانند. این نوع حذف زنان از جامعه، نوع قدرت حاکمیت بنیاد است که به شکل وحشتناک زنان را حذف کرده اند. در جای دیگر نویسنده به عدم وجود زنان در جامعه اشاره می کند که وجود زنان در جامعه مایه شر و فساد است و می بایست این شر از شهر برچیده شود: اکنون در این روز بر شماس است که نه شاد باشید و نه اندوهگین. شاد به این دلیل نباشید که مادر ذات مبارک خادم النفس صاحب الارض الخلیفه رو در نقاب خاک کشید و اندوهگین به این دلیل که آخرین موجود فی الذات شرور و شیطانی را به خاک سپردیم... در پانزده سال گذشته امی خلیفه بیست و چهار بار بیمار شده بود که هر بار بیماری اش را از طریق رویا به پسرش ابلاغ کرده... امی خلیفه دیشب به واسطه خواب، مرگ خود را به پسرش خبر می دهد. چاشت امروز خلیفه با تفنگداران به حریم مادرش رفته و تابوتی را که امی خلیفه در آن قبلاً کفن کرده خوابیده بود، برمی دارند و به گورستان می آورند (همان: ۱۲۲).

یگانه زنی که در شهر وجود دارد، مادر خلیفه است که به دور از مردم و در تنهایی زندگی می کند. در این جا می بینیم وجود زن چقدر کراهت بار است و حتی دیدن مادر و پسر مجاز نیست. اما بر خلاف این نظام، نویسنده در نظام فکری جدید حضور زنان را پررنگ نمایش داده است که در همه جا حضور دارند و این را در جای جای رمان بازتاب داده است، زانی که از راوی روایت در بیمارستان محافظت می نمایند:

لحظاتی بعد، من بر ویلچر در سرایشی سکو قرار گرفته ام که کنترل آن در دست های سپید پرستار است. موعد چرخ زنی ام در صحن بیمارستان فرارسیده. ویلچر جلو قدم های سرپرستار و به نیروی او حرکت می کند. او را نمی بینم اما سایه اش در حاشیه ویلچر دراز به دراز راه می رود. حتی سایه اش قشنگ است (همان: ۸۶).

۳-۳. گفتمان خرافات و خرافه باوری

یکی از گفتمان‌های برجسته که در رمان مطرح گردیده، گفتمان خرافات و خرافه‌باوری است که از سوی نویسندگان در صحنه‌های مختلف رمان تصویر شده‌است. راه اعمال قدرت از سوی دستگاه‌های قدرت به وسیله گفتمان‌های موجود آن صورت می‌گیرد. خرافات و خرافه‌باوری در کشور ما ریشه‌های مستحکم دارد که این خرافات گاه فردی و گاه اجتماعی است. خرافه‌هایی که در رمان بازتاب پیدا کرده‌است، همه اجتماعی‌اند که از سوی گروه حاکم بین مردم پخش و تحمیل شده‌است. یکی از انواع رایج خرافات در کشور خرافه‌های دینی است که اساس و بنیاد شرعی ندارد و تنها ایدئولوژی نهاد حاکم است که این نهادها آن را با اندیشه دینی درآمیخته و به ابزار مهم اعمال قدرت در جامعه تبدیل کرده‌اند. بدعت و نوآوری در دین زمانی از سوی مقامات سیاسی ایجاد می‌شود که ایدئولوژی دینی را با ایدئولوژی سیاسی برای حفظ خود در کرسی قدرت انجام دهند. نویسندگان به صورت ماهرانه آن را در رمان به تصویر کشیده و این قدرت از نوع قدرت مشرف به حیات است. زیرا دولت در همه احوال و زندگی مردم مداخله می‌نماید و واری می‌کند. این خود نشان قدرت بالابه‌پایین و تحمیل قدرت بر مردم است. حرام بودن نگرستن در آئینه، پرسش کردن، جستجوگری و کراهت خندیدن از جمله خرافه‌هایی است که نویسندگان در رمان ترسیم کرده‌است که چگونه قدرت حاکم به واسطه آن‌ها اذهان عامه را در اختیار گرفته‌است. یکی از خرافه‌ها در این رمان حرام بودن آئینه‌داشتن و نگرستن در آئینه است: «این یابو باز شروع کرد مگر نمی‌دانی آئینه‌داشتن حرام و مقابله آن با روزنامه‌چه کفر مطلق. تو مایه سستی ایمان همه استی...» (همان: ۱۵).

چنان‌که دیده می‌شود در این جا، هر که آئینه داشته‌باشد و خویش را و هر آن چه را بخواهد در آئینه ببیند از ایمانش کاسته می‌شود و به سمت شر خواهد رفت. بنابراین همه مردم شهر از داشتن آئینه خودداری می‌کنند. نهاد حاکم علاوه بر واری و خرافه‌پراکنی در میان مردم در عوض سرپیچی، مجازات سنگین را بر مردم اعمال می‌کند. «از اعدام آخرین مرتدی که آئینه نزدش پیدا کردند هشت سال می‌گذشت. می‌گفتند مرگ دردناکی داشته...» (همان). این جا نوع قدرت حاکمیت‌بنیاد را نیز شاهد هستیم. در جای دیگر نویسندگان درباره ماهیت آئینه و خرافه‌ای که برای آن ساخته‌اند، می‌آورد:

آئینه شر مطلق است. چیزی است از جنس خناس، اگر ببینی اش همچون تو می‌شود. شمایل اصلی اش به نقل از ابن سامان چونان هیولاهاست که هرگز اندازه معینی ندارد. دو شاخ بر سر، دمی در ناف و با اشکال گوناگون چونان دایره، مربع... ظاهر می‌گردد... ملازمی‌ها اعتقاد دیگری داشتند. آن‌ها روایت می‌کردند که آئینه فقط برای خلیفه و صاحبان درس‌خانه خیر است (جبران، ۱۳۹۵: ۱۷).

یکی از خرافه‌های دیگر که در رمان بیان گردیده، جستجوگری برای رسیدن به حقیقت است: تاکید کرد در روحیه‌اش چیزی به نام شورش نیست و تنها چیزی که دوست دارد آگاهی است که بنا بر حکم روزنامه‌چه حق آن بر هر کسی روا داشته شده‌است. اما نه دانستن هر چیزی که آدمی را به مرز کفر نزدیک کند... وقتی چیزی را بدانی به خودت روشن می‌شود که کفر است و ایمان هر چیزی را نمی‌شود بدون دانستن همین طوری قبول کرد (همان: ۵۵-۵۶).

حقیقت چیزی است که در درون گفتمان‌ها زاده می‌شود و زندگی می‌کند. در این جا هم چنان گفتمان حاکم در جامعه حقیقت را ساخته‌است و تحمیل می‌کند و هر نوع جستجو و کنکاش را گناه می‌شمارد. در رمان ترابی شخص جستجوگری است و می‌خواهد حقیقت را کشف کند. در این جا ما شاهد مقاومت یکی از کنشگران گفتمان در برابر سلطه حاکم هستیم؛ زیرا هر نوع تلاش برای یافتن حقیقت جدید راه را برای ایجاد گفتمان جدید باز می‌سازد و خود نمونه‌ای از مقاومت در برابر سلطه است. درباره کراهت خنده گروه حاکم در رمان نیز خرافاتی بافته‌اند که خنده موجب کاستی غیرت می‌گردد: «خنده موجب کاستی غیرت است. هر آن که باری می‌خندد به اندازه هزار جو از غیرت ذاتی او کم می‌شود. حکم جهاندار بزرگ... در این خصوص روشن است: هر آن کس غیرت ندارد، از ما نیست» (همان: ۶۳). در این جا می‌بینیم گروه‌های حاکم حتی به جزئی‌ترین مسایل زندگی افراد می‌خواهند تسلط داشته‌باشند و آن را در انقیاد خود بگیرند.

۳-۴. گفتمان جهان مدرن

پیشرفت یک جامعه و تغییر و تحول سیستم معرفتی آن در یک برهه از تاریخ باعث گسست و مفارقت آن از دوره‌ای دیگر می‌شود. هر برهه زمانی دانش و معرفت خاص خود را دارد که افراد در نسبت با آن زندگی می‌نمایند و فکر می‌کنند. رمان زندگی به سفارش پشه‌ها دو تصویر از دو دوره از زمان با دو نظام فکری متفاوت را نمایش می‌دهد، یکی نظام فکری امروزی، مدرن آراسته با تکنولوژی و دیگر تصویری از نظام فکری‌ای با ویژگی‌های جهان عصر کلاسیک. مراد ما در این جا از نظام فکری همان گفتمان‌های موجود در سطح جامعه است و این که چگونه اعمال قدرت و تولید حقیقت می‌کنند و مردم را چگونه در دایره این حقیقت محصور ساخته و ذهن آن‌ها را در بند گرفته‌اند و آن‌ها را از دیگرگونه اندیشیدن باز می‌دارد. در رمان نویسنده در مقابل گفتمان‌های ارباب-رعیتی گفتمان مدرن را قرار می‌دهد که نوع اعمال قدرت در آن به شکل ملایم و بدون شکنجه است. در این جا ویژگی‌هایی از گفتمان مدرن را که نویسنده تصویر کرده‌است، می‌آوریم: «می‌گویند پیر شده‌ام شصت و اندی از سال‌های عمرم سپری شده‌است. همین چند ماه پیش،

پزشک معالجم این را گفت... در گذشته، سه بار چهره خود را دیده بودم. دو بار در آب و یک نوبت در آیینه» (همان: ۷). در این جا نویسنده به دو زمان حال و گذشته اشاره دارد که راوی رمان به دلیل خرافات و نبود امکانات چهره خود را نتوانسته ببیند و در پیروی توانسته است خود را ببیند: اکنون نیز با کلال کم مشقتی بر زبان می آورم که همه چیز را در همان صدویست صفحه زردرنگ نوشته بودند. آن گونه که ملازم درس خانه گنبدی می گفت حتما اندازه وزن بیضه جد ۷م ابن سامان در صفحه ۱۶م و سطر ۱۱۸م این روزنامه درج بود (همان: ۱۲).

در این قطعات دیده می شود نویسنده دو سیستم معرفتی را به تصویر کشیده است. جهان مجهز با تکنولوژی امروزی و جهانی که کوچک ترین و پیش پافتاده ترین مسائل زندگی در آن، در مجلدی به نام روزنامه درج است. این روزنامه در واقع همان مجلد ساخته شده گروه حاکم برای سلطه بر مردم است. نوع اعمال قدرت در این گفتار از نوع انضباطی ملایم آن است که در ظاهر مورد توافق و قبول مردم است و در باطن امر دست های قدرت همیشه بر امور مردم نظارت دارد. چگونگی این مسأله را هم چنین در رمان می توانیم ببینیم:

پرستار چند متر دورتر روی چوکی نشسته است و به من لبخند می زند. پیرزن صفاکار غرغری اما پشت ویلچر خالی من قرار گرفته و با کینه انباشته در سینه اش مرا می پاید. لابد تقصیر لگن زیر تخت است که ام صبح وقتی از زیر تخت جدایش کرد، بوی بی پدرش دل و روده اتاق را به هم ریخت (همان: ۸۴).

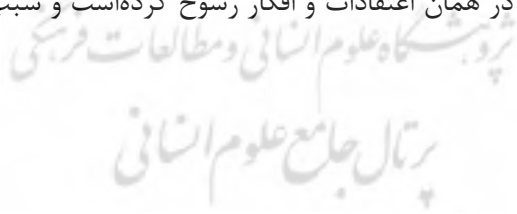
در این تصویر صفاکاری را می بینیم در حالی که یک زن است؛ اما در شفاخانه مصروف انجام کارهای پرمشقت و نگهداری از یک مرد فلج است. این زن هر روز مجبور به پاک کردن مدفوع مریض است. در این گفتار نوع اعمال قدرت نرم را می بینیم که در ظاهر قضیه به مثابه وظیفه بر فرد اعمال می گردد و مورد قبول فرد است.

۴. نتیجه گیری

در پژوهش حاضر رمان «زندگی به سفارش پشه ها» اثر کاوه جبران مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. در این پژوهش به انواع گفتارهای موجود در رمان و چگونگی اعمال قدرت در آن پرداخته شد. در رمان مذکور گفتار ارباب-رعیتی، دین، قدرت جنسیت، قدرت خرافات و خرافه باوری و جهان مدرن بازنمایی شده است. نحوه اعمال قدرت در این گفتارها به شکل شکنجه بدنی، ارباب رعیتی، دین محوری و تابو بودن وجود زن صورت می گیرد و نوع قدرت

بالا به پایین و یا سلسله‌مراتبی است. از سوی دیگر در گفتمان مدرن شیوه اعمال قدرت به شکل ملایم جریان دارد و این چشم‌گیر نیست و در نتیجه پژوهش تغییر نمی‌آورد؛ زیرا جو و فضای اصلی روایت چگونگی شیوه اعمال قدرت در گفتمان‌های موجود جامعه نویسنده در زمان نگارش رمان است. نویسنده در رمان دو نظام فکری متفاوت را به تصویر کشیده است. از مسایل عمده‌ای که در رمان می‌توان مشاهده نمود، مسأله گسست است. چنان‌که گفته شد در رمان نویسنده دو سیستم معرفتی متفاوت را نمایش داده است: جهانی با معیارهای امروزی و مدرن و جهانی با معیارهای کلاسیک که این تفاوت میان برهه‌های زمانی، در رمان کاملاً مشهود است. هر دوره تاریخ می‌تواند نوع اعمال قدرت به شکل کلاسیک را داشته باشد؛ حتی اگر در مدرن‌ترین دوره از تاریخ قرار بگیرد. در رمان هم‌چنین اگر چه وقایع در زمان حال رخ داده و جهان مدرن است؛ اما نحوه اعمال قدرت در آن به شکل کلاسیک است و مردم هنوز در انجماد فکری به سر می‌برند. آن طوری که دیده می‌شود آن چه که برای پیشرفت لازم است تغییر سیستم دانش و نظام فکری است، نه فقط سپری شدن زمان و قراردادن در زمان و عصر مدرن.

نویسنده خواسته این‌گونه نشان دهد با تغییر نظام فکری شیوه اعمال قدرت تغییر خواهد کرد و نظام و بساط سلطه برچیده خواهد شد. آن چه سبب سقوط و شکست یک قدرت و گفتمان در مقابل قدرت و گفتمان دیگر می‌شود از ناحیه مرکزی خودش است. در رمان هم این نقطه همان تحمیل ایدئولوژی بر دیگری، نقطه شکست خودی را فراهم کرده است و گفتمان‌ها دقیق با نشانه‌گیری همان نقاط به پیروزی می‌رسند. در رمان مذکور هم آن ایدئولوژی پوشیده در لباس دین نشانه گرفته شده و در همان اعتقادات و افکار رسوخ کرده است و سبب شکست دارالخلافه گردید.



کتابنامه

۱. آقاگل زده، فردوس (۱۳۹۰)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: علمی و فرهنگی.
۲. برنز، اریک. (۱۳۸۱)، *میشل فوکو*، ترجمه: بابک احمدی. تهران: ماهی.
۳. پرشور، سولماز و دیگران (۱۳۹۹)، «تحلیل رمان «ساقالبامبو» اثر سعود السنعوسی بر اساس گفتمان قدرت میشل فوکو»، *پژوهش‌نامه نقد ادب عربی*، س ۹، ش ۱۹، صص ۶۱-۷۷.
۴. جبران، کاوه (۱۳۹۵)، *زندگی به سفارش پشه‌ها*، کابل: نشر زریاب.

۵. حقیقی، شاهرخ (۱۳۷۹)، گذار از مدرنیته؟ نیچه، فوکو، لیوتار، دریدا، تهران: آگاه .
۶. دریفوس، هیلبرت و رایینو، پل (۱۳۷۹)، میشل فوکو فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک، ترجمه: حسین بشیریه، تهران: نی.
۷. سجودی، فرزانه (۱۳۸۲)، «فوکو و برخی مفاهیم بنیادین». ماهنامه هنری فرهنگی کلک، س ۴، ش ۱۴۰، صص ۷-۱۰.
۸. ضمیران، محمد (۱۳۸۷)، میشل فوکو: دانش و قدرت. تهران: هرمس.
۹. فوکو، میشل (۱۳۸۹)، نظم اشیا: دیرینه‌شناسی علوم انسانی، ترجمه: یحیی امامی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۰. فیلیپس، لوئیز و یورگنسن، ماریا (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نی.
۱۱. وکیلی، شروین (۱۳۸۹)، نظریه قدرت، تهران: شورآفرین.

1. Baker, Paul & Ellece, Sibonile (2011), *Key Terms in Discourse Analysis*, New York: Continuum.
2. Graham, Linda J (2005), "Discourse Analysis and the Critical Use of Foucault", In: *Paper Presented at Australian Association for Research in Education*, 27th November- 1st December, Sydney, Queensland University of Technology.
3. Hoffman, Marcelo. (2011). "Disciplinary power". In: *Michel Foucault Key Concepts*, Edition by: Taylor, D, UK Ashford Colour Press Ltd.
4. Miller, Seumas (1990), "Foucault on Discourse and Power". *Theoria: A Journal of Social and Political Theory*. No 76 (2), pp. 115- 125.

Research article
Received: 04/14/2024
Accepted: 06/28/2024
pp. 23- 41



Contemporary Iranian
literature studies
Vol. 1, No. 1, Spring 2024

Representing Power Relationships in the Kawa Jobran's "*Life at The Order of Mosquitoes*" Novel Based on Michel Foucault's Discourse of Power

Zakia Shahab¹

Abstract

Discourse analysis is one of the new approaches to examining the text in its pragmatic and real context. The discourses represented in the novel are actually a depiction of the discourses in the author's society; therefore, for examining the social and cultural conditions of the country, the analysis and review of the novel is of great importance. The present study examined the novel "*Life at the Order of Mosquitoes*" by Kawa Jobran using Michel Foucault's approach to discourse of power analysis. The aim of this study is to examine the relationships of power in the discourses represented and present in the novel, as well as how power is exercised in these discourses. The research methodology in the present research is analytical-descriptive using a tool taken from Foucault's approach to discourse of power analysis, and it seeks to answer the question of which discourses are represented in the novel and what role do these discourses play in the formation of the power structure? In consequence of research, in the novel, the discourses of the master-vassal and religion, sexuality, superstition and superstition of belief, and modern discourses were identified. The way power is exercised in these discourses is governance of the foundation in a top-down and hierarchical manner.

Key words

Michel Foucault, Discourse of Power, Power Relations, Kawa Jobran, "*Life at The Order of Mosquitoes*" Novel.

1. M.A. of Persian Language and Literature, Faculty of Language and Literature, Kabul University, Kabul, Afghanistan.

Email: Zakiashahab11@gmail.com